

جمعه گردی های اسماعیل نوری علا

در چند و چون موضع گیری های سکولار دموکرات ها

«مرحله افشاگری و مشروعیت زدائی»، بخودی خود، وافی به مقصود نیست چرا که تنها یک شرط لازم برای تحقق فرگشت انحلال حکومت را تأمین می کند و سکولار دموکرات ها ناگزیرند آگاهانه مسیر خود را از این مرحله به مرحله «آگاهی رسانی و گفتمان سازی» برسانند. یعنی، تا زمانی که بر اکثریت مردم ناراضی از حکومت اسلامی آشکار نشود که تنها بدیل یک حکومت ایدئولوژیک - مذهبی، حکومتی سکولار دموکرات است همهء کوشش ها اغلب یا به سرکوب جنبش های اعتراضی و مطالباتی می انجامد و یا بخش دیگری از حکومت را، که آشکارا ایوبیسیون دولت (و نه حکومت) اند، به قدرت می رساند و، در نتیجه، مشروعیت رژیم را، بجای کاهش، افزایش می دهد.

esmail@nooriala.com

1. پیشگفتار

کوشش برای موضع گیری در برابر حوادث مختلف سیاسی و اجتماعی از جانب سکولار دموکرات های خارج کشور در دید بعضی کسان عبث و بی فایده و حتی نالازم است، چرا که مفیدیت این موضع گیری را مورد پرسش و تردید قرار می دهند.

آنها، مثلاً، معتقدند که لزومی ندارد هر فرد سکولار دموکراتی در مورد مسئله انرژی اتمی ایران موضع معینی داشته باشد، یا در مورد سیاست آقای اوباما در قبال خاورمیانه و ایران، یا پیرامون عملیات «جیش العدل» در بلوچستان و انتقام گیری وحشیانه رژیم از بلوچ های زندانی، یا گسترده شدن دامنه اعدام ها پس از نصب آقای روحانی به ریاست دولت اسلامی. آنها می گویند وقتی نظر ما تأثیری در روند حوادث ندارد، اطلاعات پشت پرده و دست اولی هم از جریانات نداریم، چرا باید وقت و انرژی ذهنی خود را صرف موضع گیری هائی کنیم که ممکن است غلط از آب درآیند و، در عین حال، در محیط کوچک اطراف مان نیز مخالفت ها و دشمنی هائی را برانگیزند؟

من اما اینگونه ایرادها را از یکسو «غیراخلاقی» (در مقیاس فردی آن) و، از سوی دیگر، «مرد رندانه» (در مقیاس اجتماعی اش) می دانم و فکر می کنم که اگر صاحب مجموعه اخلاقی بشر دوستانه ای باشیم، و اگر فکر کنیم که می توانیم لاقل و حتی در محیط کوچک اطراف خود تأثیری بگذاریم، چاره ای جز آگاه سازی خویش و، در پی آن، اعلام موضع - لاقل در برابر پرسش دیگران - نداریم. چه رسد به اینکه آدمی مدعی داشتن عقاید سیاسی مشخص بوده، و حتی به عضویت گروه و سازمانی سیاسی نیز درآمده باشد. چنین کسی در قبال خویشتن و نیز محیط کوچک اطراف اش، و سپس در برابر جامعه گسترده ای که ممکن است صدایش را بشنوند «مسئولیت» دارد.

اما این نکته نیز روشن است که موضع گیری سیاسی کار ساده ای نیست و قبل از هر چیز نیازمند داشتن یک دستگاه منسجم تحلیل منطقی (از نظر شخص موضع گیرنده لاقل) است که از درون ارزش های پذیرفته از جانب خود او بر می آید و در ذهنیت اش جاری می شود.

2. پیش شرط ها، اهداف، استراتژی و تاکتیک ها

بطور طبیعی، هدف یک سکولار دموکرات ایرانی نمی تواند امری جز استقرار حکومتی سکولار دموکرات در ایران، آن هم به منظور آزادی و رفاه مردم و آبادی و توسعه پایدار این کشور باشد؛ یعنی استقرار حکومتی که از طریق «انحلال» حکومت کنونی (از طریق لغو قانون اساسی حکومت اسلامی و انحلال ساختارهای غیر دموکراتیک برحاسته از آن قانون) و ایجاد مجلس مؤسسان جهت نوشتن قانونی اساسی جدیدی بر اساس موازین سکولار دموکراسی، و برگزاری همه پرسی برای تصویب آن حاصل می شود. اما، برای رسیدن به هدف بالا، استراتژی یک سکولار دموکرات نمی تواند چیزی جز کوشش برای آفرینش آلترناتیوی سکولار دموکرات باشد؛ بدیلی که بتواند مبارزات سکولار دموکرات های ایران علیه حکومت ایدئولوژیک - مذهبی را انسجام بخشیده، آن را به یک نیروی سیاسی مؤثر تبدیل کرده، و مبارزات علیه آن حکومت را هدایت نموده و به نتیجه برساند.

یک سکولار دموکرات واقعی، که حتی به صورت تلویحی سازش با «نوعی از حکومت اسلامی» را در برنامه کاری خود نداشته باشد، طبعاً معتقد است که امر سمت و سو دادن به مبارزات سکولار دموکرات ها تنها با وجود یک چنین آلترناتیوی ممکن می شود و تنها با وجود اینگونه آلترناتیو است که می توان به تعیین «تاکتیک» های کارآمد، موضع گیری در برابر حوادث جاری در ایران و جهان، و حتی اعلام رهنمودهای مبارزاتی اقدام کرد.

و در همین مقوله گزینش «تاکتیک» های مبارزاتی است که «انحلال طلبی» خودبخود شامل انواع شیوه های مبارزاتی می شود که عموماً از اعتراضات مبارزاتی و مدنی و خشونت پرهیز «مردم» (و نه اعضاء یک «سازمان سیاسی!») آغاز شده و، از طریق واکنش های خصمانه و خشونت آمیز حکومت، سرعت و دگردیسی می یابد و حتی تا شورش و مبارزه مسلحانه و انقلاب نیز پیش می رود (*).

3. آزمونی پنج گانه

هنگامی که ما درباره حکومت آینده ایران سخن می گوئیم، قبل از هر چیز و بطور بدیهی، باور داریم که هم اکنون جایی به نام ایران، بعنوان یک کشور مشخص، وجود دارد و ما می خواهیم بکوشیم تا حکومتی سکولار دموکرات را در آن برقرار کنیم. یعنی، اگر آینده این کشور در میان نباشد و یا بسوئی برود که ایران به چندین کشور کوچک تجزیه شود، آشکار است که ما دچار سلب «موضوع» می شویم و بقیه احتجاجات ما معنای خود را از دست می دهند. در نتیجه، برای من سکولار دموکرات «ایرانی»، نخستین آزمون هر حادثه، هر تصمیم، و هر پیشنهادی پاسخ به این پرسش است که «آیا عوامل مندرج در امر مورد نظر ایران را پایدار می سازند یا آن را به تفرقه دچار می کنند؟»

از نظر من این یک پرسش و یک آزمون گریز ناپذیر و منطقی است و به اینکه گروه های مختلف ساکن ایران دچار تبعیض و سرکوب و ستم های گوناگون هستند ربطی ندارد. ما درباره حکومت سکولار دموکراتی سخن می گوئیم که بساط این حرمان ها را جمع می کند. در فقدان چنین حکومتی سرنوشت ایران را عوامل دیگری تعیین می کنند که به بحث فعلی ربطی ندارند. با این همه، لازم است توجه کنیم که گرایش به سکولار دموکراسی مهمترین حرکت برای حفظ یکپارچگی وطن مان در آینده بشمار می آید.

آزمون بعدی به این پرسش پاسخ می دهد که: « آیا عوامل مندرج در امر مورد نظر، آزادی و رفاه مردم و آبادی و توسعه پایدار کشور را فراهم می سازند؟»

سومین آزمون برای یافتن پاسخی بدین پرسش است که: « آیا عوامل مندرج در امر مورد نظر به تضعیف و انحلال حکومت اسلامی می انجامند؟ و در این راستا به آفرینش آلترناتیو مورد نظر ما کمک می کنند؟»

چهارمین آزمون بدین پرسش پاسخ می دهد که « آیا عوامل مندرج در امر مورد نظر تساوی حقوقی مرد و زن و کل ایرانیان را در برابر قانون تضمین می کند و از تسلط و تحمیل ارزش های فرد یا گروهی خاص بر مردم که موجب بروز روند "خودی - ناخودی" می شود جلوگیری می نماید؟» توجه کنیم که محتوای این پرسش کاملاً به وجه «سکولار» حکومت مطلوب ما مربوط می شود.

پنجمین آزمون به دموکراسی مداری امر مورد نظر ما بر می گردد: « آیا عوامل مندرج در امر مورد نظر حاکمیت ملی، جلوگیری از بازتولید استبداد، امکان برقراری همه پرسی ها و انتخابات آزاد و منصفانه را ممکن می کنند؟»

4. از مشروعیت زدائی تا مبارزه سازمان یافته

در عین حال، به باور من، آگاهی از اینکه سکولار دموکرات ها در کدامین مرحله از کوشش های خود علیه حکومت ایدئولوژیک - مذهبی به سر می برند نیز در امر موضع گیری و اعلام نظر آنها دخیل است؛ چرا که خلط مراحل سه گانه اقدام سیاسی علیه این حکومت می تواند زاینده توهنات بیهوده و خوش بینی های خطرناک شود. بخصوص آنجا که حکومت استبدادی - مذهبی مورد نظر و آماج تلاش های انحلال طلبانه ما برخاسته از یک انقلاب مردمی بوده و، در ابتدای کار خود، قدرت را نه از طریق اعمال زور که از راه کسب نظر مساعد مردم به دست آورده باشد.

آشکار است که در چنین وضعیتی نخست باید کار خود را از «مشروعیت زدائی» (***) از حکومت اسلامی آغاز کرده و، به عبارتی دیگر، دست به «افشاگری» زد و، طی آن، شواهد عدول از، و پشت کردن حکومت ایدئولوژیک - مذهبی به «مطالبات سکولار دموکرات مطرح شده در انقلاب» را توضیح داد. از نظر من، در این مورد، نه تنها سکولار دموکرات های ایران، که مجموعه رنگارنگ شرکت کنندگان در اردوگاه اپوزیسیون حکومت، طی 34 ساله اخیر بسیار موفق بوده و توانسته اند شک و ابهامی در مورد زوال مشروعیت این رژیم در میان مردم ایران و نیز بخش های عمده ای از مردم جهان باقی نگذارند.

اما «مرحله افشاگری و مشروعیت زدائی»، بخودی خود، وافی به مقصود نیست چرا که تنها یک شرط لازم برای تحقق فرگشت انحلال حکومت را تأمین می کند و سکولار دموکرات ها ناگزیرند آگاهانه مسیر خود را از این مرحله به مرحله «آگاهی رسانی و گفتمان سازی» برسانند. یعنی، تا زمانی که بر اکثریت مردم ناراضی از حکومت اسلامی آشکار نشود که تنها بدیل یک حکومت ایدئولوژیک - مذهبی، حکومتی سکولار دموکرات است همه کوشش ها اغلب یا به سرکوب جنبش های اعتراضی و مطالباتی می انجامد و یا بخش دیگری از حکومت را، که آشکارا اپوزیسیون دولت (و نه حکومت) اند، به قدرت می رساند و، در نتیجه،

مشروعیت رژیم را، بجای کاهش، افزایش می دهد. یعنی، تا زمانی که شعارهای «مرگ بر...» و «نابود باد...» و «نمی خواهیم...» و نظایر آنها تبدیل به «برقرار باد...» و «پیروز باد...» و «می خواهیم...» نشوند و «جنبش های اعتراضی» جای خود را به «جنبش های مطالباتی از حکومت» ندهند، در پی فروپاشی حکومتی ایدئولوژیک - مذهبی نمی توان به استقرار سکولار دموکراسی امیدوار بود.

در این زمینه، سکولار دموکرات ها پیشرفت های عمده ای داشته اند، هرچند که هنوز «سکولار دموکراسی» به گفتمان اصلی و غالب سیاسی جامعه ما تبدیل نشده است و کوشش برای حصول به این مقصود باید همچنان، و همپای افشاگری و مشروعیت زدائی، ادامه یابد.

اما هر دوی این مراحل نیز نمی توانند پیروزی سکولار دموکراسی بر حکومت ایدئولوژیک - مذهبی را تضمین کنند. تجربه جنبش سبز به ما نشان داد که هم می توان شعار «مرگ بر ولایت فقیه» را سر داد و هم خواستار «آزادی، استقلال، جمهوری ایرانی» شد اما به توفیقی نرسید و شکنجه و تجاوز شده و زندان کشیده و کشته داده به خانه های غمزده برگشت.

از نظر من، مبارزه تنها زمانی براستی آغاز می شود که سکولار دموکرات ها پا به مرحله «آلترناتیو سازی» گذاشته و توانسته باشند که هیئتی را (چه با یک چهره شاخص رهبری و چه در قامت مدیریت گروهی) برای نمایندگی و هدایت مبارزه آفریده باشند که از حمایت و اعتماد اکثریت مردم برخوردار باشد. تنها در پی چنین توفیقی است که مرحله راستین مبارزه سازمان یافته آغاز شده و امید به پیروزی و استقرار سکولار دموکراسی آزاد و آبادساز در کشورمان از حد گمان و توهم و خوش بینی خارج شده و پا به واقعیت های دلگرم کننده می گذارد.

5. موضع گیری و پرهیز از عوام زدگی

سکولار دموکرات ها باید شفاف و صریح عمل کنند و برای این کار هدف خود را «به دست آوردن قدرت به هر قیمت» ندانند. سکولار دموکراسی بیش از آنکه مادر سازمانی سیاسی و معطوف به کسب قدرت باشد، یک تربیت اجتماعی و مدنی است که استمرار «آزادی و آبادی» را تضمین می کند. مهمترین آفت هرگونه تربیت اجتماعی و مدنی پدیده «عوام زدگی» است، که هم از عوام فریبی ناشی شده و هم به تشدید آن می انجامد. چرا که اندیشه مبتنی بر «آنچه مردم می خواهند» با اندیشه های سکولار دموکرات فرق دارد. در این مورد بد نیست به نمونه ای هم اکنونی اشاره کنم.

گروهی به نام «جیش العدل» (ارتش عدالت) در بلوچستان ایران ظهور کرده و علیه حکومت اسلامی بیدادگر و ایران ویران ساز «قیام مسلحانه» کرده اند و، در آخرین نمونه فعالیت هاشان، به یک پاسگاه مرزی حمله کرده و 17 مرزبان پاسدار را کشته اند. حکومت هم، به سبک انتقامجویی های قبیله های 1400 سال پیش، دست به اعدام 16 زندانی بلوچ که از مدت ها پیش در اسارت شان بوده اند زده و این نکته را هم که اعدام ها نوعی انتقامجویی بوده صراحتاً اعلام داشته است. حال می توان همین حادثه را با کمک مطالبی که در بالا گفته شد از دیدگاه سکولار دموکراسی بررسی کرد. اما برای این کار نخست باید دو عمل «جیش

العدل» و «حکومت اسلامی» را از هم تفکیک نمود و اعدام های این حکومت را نه در راستای تأیید عملیات «جیش العدل» که بعنوان شواهدی بارز برای مشروعیت زدائی هرچه بیشتر از آن تلقی کرد. همچنین دو جنبه از کار «جیش العدل» نیز قابل تفکیک اند: «بنیادهای ایدئولوژیک» اطن سازمان و و «مبارزه مسلحانه و خشونت آمیز» آن.

پرسش لابراتواری ما چنین است: «بطور کلی در مورد "جیش العدل" چه باید گفت؟» برای شخص سکولار دموکراتی که می خواهد به اطن پرسش پاسخ دهد کافی است تا تنها به وجه ایدئولوژیک ساختار این گروه بسنده کرده و آن را با پنج آزمون تعیین شده بسنجد؛ چرا که دست زدن به مبارزه مسلحانه بحثی در «تاکتیک» های مبارزاتی است که می توان آن را در درون کلیت بحث «خشونت پرهیزی» مطرح ساخت. به پرسش های پنج گانه بپردازیم:

1. «آیا عوامل مندرج در این امر ایران را پایدار می سازند یا آن را به تفرقه دچار می کنند؟» پاسخ روشن است: «جیش العدل» خود را نه جنبشی ایرانی و نه بلوچستانی می شناساند و مدعی تعلق داشتن به جریان بنیادگرای اسلامی است که بخصوص در قامت «طالبان» در جبهه های مختلف علیه حکومت های سکولار می جنگد. این جریان با دامن زدن به اختلافات مذهبی شیعه و سنی، که البته مسبب اصلی آن استقرار حکومتی مذهبی اما شیعه در ایران است، زمینه را برای جدائی بلوچستان از ایران فراهم می کند.

2. «آیا عوامل مندرج در این امر، آزادی و رفاه مردم و آبادی و توسعه پایدار کشور را فراهم می سازند؟» من نشانه ای از این اهداف در ادبیات «جیش العدل» نیافته ام.

3. «آیا عوامل مندرج در این امر، آزادی و رفاه مردم و آبادی و توسعه پایدار کشور را فراهم می سازند؟» از این همه نیز در «قیام مسلحانه جیش العدل» خبری نیست، چه با مبارزه مسلحانه و اعمال خشونت موافق باشیم و چه نباشیم.

4. «آیا عوامل مندرج در این امر تساوی حقوقی مرد و زن و کل ایرانیان را در برابر قانون تضمین می کند و از تسلط و تحمیل ارزش های فرد یا گروهی خاص بر مردم که موجب بروز روند "خودی - ناخودی" می شود جلوگیری می نماید؟» آشکار است که طرح این پرسش در مورد گروه مذهبی بنیادگرای همچون «جیش العدل» بی معنی است؛ بخصوص که پرسش ما بر بنیاد توجه الزامی به مطرح بودن سکولاریسم فراهم آمده باشد.

5. «آیا عوامل مندرج در این امر حاکمیت ملی، جلوگیری از بازتولید استبداد، امکان برقراری همه پرسی ها و انتخابات آزاد و منصفانه را ممکن می کنند؟» من باور نمی کنم که کسی بتواند به تمام این پرسش ها پاسخ مثبت دهد.

حال می توان به این نکته توجه کرد که مردم بلوچستان مسلمان سنی اند و حکومت اسلامی ایران تشیع اثنی عشری را مذهب رسمی کشور می داند و به همین دلیل سنی ها شهروندان درجه دوم ایران محسوب شده و از حقوق دموکراتیک خود محرومند. در چنین موقعیتی، بی اعتنائی سکولار دموکرات ها به وضعیت دلشکن بلوچ های ایران می تواند به بروز تمایلات جداسری در این گروه از ایرانیان ستم کشیده کمک

کند و، در مقابل، جایگاه گروه‌های همچون «جیش العدل» را تقویت نماید که خود خواستار برقراری حکومت مذهبی نوع دیگری هستند و مسئله‌ای تبعیضات نسبت به مردم بلوچ را به دعوای تاریخی شیعه و سنی تقلیل می‌دهند. پس، آیا مصلحت اقتضا نمی‌کند که سکولار دموکرات‌ها همانگونه که در برابر حکومت شیعه ستمکار و در راستای حمایت از مردم مظلوم بلوچستان جبهه می‌گیرند، تکلیف خود را با «جیش العدل» نیز روشن کنند؟

پاسخ من به این پرسش مثبت است. مدت‌ها است که فصل همکاری بی‌خردانه با اسلام‌گرایان شیعه و سنی به پایان آمده است و سکولار دموکرات‌ها، در همه‌جبهه‌های مبارزاتی خود با اسلام‌گرایان (و نه اسلام) باید علیه اسلام‌گرایان موضع‌گیری کنند. حکومت اسلام‌گرایان اخوان المسلمین در مصر همانقدر ضد سکولار دموکراسی (آن هم در قامت دموکراسی جعلی دینی) است که حکومت اسلامی ولایت فقیه‌ی مستقر بر کشور ما. سکولار دموکرات‌ها نمی‌توانند مردم بلوچستان را از چاله به چاه دعوت کنند و بکشانند؛ بلکه تنها با مبارزه برای برقراری سکولار دموکراسی، آزادی، امنیت، رفاه و آبادی و رسیدگی به حقوق فرهنگی، زبانی، مذهبی و سیاسی همه‌اقوام (یا بقول «ملیت‌ها») ایرانی است که می‌توان به سوی تحقق اهداف سکولار دموکراسی حرکت کرد.

* «پیمان‌نامه عصر نو»، که سکولار دموکرات‌ها در وجه مختلف آن توضیح می‌دهند و بنای «جنبش سکولار دموکراسی» بر آن شالوده نهاده شده، در بند 17 خود چنین می‌گوید: «ما "خشونت پرهیزیم" اما، در عین حال، در نزد ما انحلال طلبی شامل همه اشکال و اقداماتی است که به نابودی حکومت‌های ایدئولوژیک، مذهبی، استبدادی و انحصار طلب بیانجامد، چرا که معتقدیم جنبش‌های آزادیخواهانه ملت ایران همواره رویه‌ای خشونت‌گریز داشته و این حکومت‌های استبدادی بوده‌اند که کار آن را به اعمال خشونت تدافعی کشانده‌اند».
** مشروعیت ترجمه‌آلود - مذهبی واژه legitimacy فرنگی است که بیشتر به معنای «فانونیت» می‌آید اما در اینجا چون با حکومتی مذهبی سر و کار داریم که حقانیت خود را از «شریعت» اش می‌گیرد، می‌توان با سهولت بیشتری از این واژه آلود - مذهبی استفاده کرد. برای اطلاع بیشتر در این مورد به مقاله من، «ضرورت مذهب زدایی از مفاهیم بنیادین حکومت» در پیوند زیر مراجعه کنید:

<http://www.puyeshgaraan.com/ES.Notes/2006/ES.Notes.090806-legitimacy.htm>

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می‌توانید مقالات نوری علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

NewSecularism@gmail.com

مجموعه آثار نوری علا را در این پیوند بیابید:

<http://www.puyeshgaraan.com/NoorialaWorks.htm>